

## خبر

### نوبخت: نظام پرداخت حقوق کارکنان عادلانه می‌شود

● **خبرآنلاین:** محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به مردم درباره عادلانه‌شدن نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت قول داد. نوبخت درباره لزوم عادلانه‌سازی نظام پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت توضیح داد: سالانه مبالغ قابل‌توجهی از بابت حقوق و مزایا به کارمندان دولت پرداخت می‌کنیم ولی توزیع اینها به‌لحاظ امتیازات دستگاه‌ها که بین کارمندان توزیع می‌شود، تفاوت‌هایی را ایجاد کرده است و در برنامه ششم کاری می‌کنیم تا عدالت پرداخت را بین کارکنان ایجاد کنیم. بنابراین در این‌باره اطلاع‌رسانی می‌کنیم.

### ایران چک ۵۰هزارتومانی جدید امکان جعل ندارد

● بخش‌نامه‌ای که برخی بانک‌ها در زمینه هشدار جعل ایران چک ۵۰ هزارتومانی جدید به شعب خود ابلاغ کردند، اقدامی پیشگیرانه و برای صیانت از حقوق مشتریان بوده است. رئیس سازمان تولید اسکناس و مسکوک بانک مرکزی با رد خبر جعل ایران چک ۵۰هزارتومانی جدید اظهار کرد: در طراحی و تولید ایران چک ۵۰ هزارتومانی جدید بالاترین شاخص‌های امنیتی لحاظ شده که امکان جعل ندارد. به گزارش روابطعمومی بانک مرکزی، امیر شکری با اشاره به اینکه کپی رنگی از اسکناس موضوعی متفاوت از جعل و به‌راحتی قابل تشخیص است، افزود: مهم‌ترین شاخص امنیتی در ایران چک ۵۰ هزارتومانی جدید «طرح ناقص» است، به این مفهوم که تصویر عدد ۵۰ روی کاغذ ایران چک نیمی از رو و نمی از پشت قابل رؤیت و قابل انطباق و غیرقابل چاپ است.

### مصرف‌گازمردم ۳برابرشد

● **تسنیم:** شرکت ملی گاز ایران براساس برنامه‌ریزی و پیش‌بینی انجام‌شده، مدیریت مصرف ۷۰۰ میلیون مترمکعبی گاز را در فصل زمستان کلید زد. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفت: در ۲۴ ساعت گذشته بیش از ۵۷۱ میلیون مترمکعب گاز به بخش‌های مختلف مصرف تحویل شده که ۳۴۱ میلیون مترمکعب از این مقدار به بخش خانگی اختصاص یافته است. حمیدرضا عراقی با بیان اینکه مصرف بخش خانگی در هفته گذشته، ۱۲۰ میلیون مترمکعب بوده است، افزود: با توجه به ورود توده هوای سرد به کشور، عملا وارد فصل سرد سال شده‌ایم؛ به‌همین‌دلیل مصرف گاز بخش خانگی شاهد افزایش چشمگیری بوده است. وی اعلام کرد: مصرف بخش خانگی در مدت مشابه پارسال نزدیک به ۲۳۵ میلیون مترمکعب بوده و این مقدار در مدت مشابه اسمال ۱۰۶ میلیون مترمکعب افزایش داشته است.

### ۲۰۰میلیون دلار جریمه برای ابریک‌های انفجاری

● **ایسنا:** رگولاتورهای ایمنی خودرو آمریکا قطعه‌ساز ژاپنی تاکاتا را به دلیل عدم ارائه اطلاعات کافی و متوق درباره ابریک‌های معیوب خطرناکی که در میلیون‌ها خودرو نصب شده‌اند ۲۰۰ میلیون دلار جریمه کرده‌اند. سازمان ملی ایمنی ترافیک آزاداره آمریکا اعلام کرد که این قطعه‌ساز ژاپنی با آگاهی کامل از ارائه گزارش دو مورد حادثه مرتبط با مشکل مذکور به این رگولاتور خودداری کرده است. این سازمان اعلام کرد تاکاتا این رفتار را از سال ۲۰۰۹ در قبال دولت آمریکا و خودروسازانی داشته که این ابریک‌ها را در خودروهایشان نصب کرده‌اند؛ آتونی فاکس، وزیر حمل‌ونقل آمریکا، اظهار کرد: تاکاتا سال‌ها باکننده‌های معیوب را تولید و فروخته است بدون اینکه حاضر شود پیذیرد که این قطعات معیوب هستند. ارزش سهام تاکاتا در بازار توکیو در پی صدور این جریمه حدود ۱۰ درصد ریزش کرد.

### وزیر صنعت، معدن و تجارت با صدور نامه‌ای واردات کالاهای مصرفی از آمریکا ممنوع است

● **ایرنا:** وزیر صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای به معاونان و رؤسای سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استناد به اعلام کرد، با توجه به تعدد مقام معظم رهبری اجازه عرضه کالاهای مصرفی آمریکا را که جنبه نمادین حضور آمریکا در کشور است، ندهند. این بخش‌نامه در ۹ آبان۹۴ خطاب به قائم‌مقام وزیر در امور تجارت و معاون امور اقتصادی و بازرگانی، معاون طرح و برنامه، معاون امور صنایع، رئیس سازمان توسعه تجارت و رؤسای سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت صادر شده است. بدالله صادقی، رئیس مرکز امور اصناف و بازرگانان ایران هم با بیان اینکه علاوه بر کالاهای مصرفی، واردات کالاهایی که معرف سبک زندگی آمریکایی است نیز ممنوع شده است، به تسنیم گفت: براساس بخش‌نامه وزیر صنعت، ورود کالاهای مصرفی و کالاهایی که نماد زندگی آمریکایی هستند، هر دو ممنوع است. وی افزود: ما نیز براساس این بخش‌نامه نمایندگی شرکت‌های عرضه‌کننده کالاهای آمریکایی را ثبت نمی‌کنیم و در سایر قسمت‌های وزارتخانه نیز این ممنوعیت برقرار خواهد شد.

# اقتصاد ایران دچار تعادل نازا است

هرچند که در این نامه هم وزیران نسخه‌ای برای تعادل

زایبا ارائه نکرده‌اند. حتی اگر امید هم به جامعه برگردد، تعادل نازا نسخه نجات‌بخشی برای ایران نیست. بسته اقتصادی که در ادامه نامه چهار وزیر، از سوی دولت ارائه شد هم نسخه‌ای از تعادل نازا بود. اینکه بخش خودروسازی و مسکن را تقویت کنیم تا بورس فعال شود، همان تکرار مکررات تعادل نازا است. یک بخش ناتوان کاملاً انحصاری مانند خودروسازی تقویت شود و خروج بخش مسکنی که کاملاً زمین‌گیر شده و کسی نمی‌تواند با اهرم اضافه وام هم آن را از رکود بیرون بیاورد، در دستور کار قرار گیرد.

● **کا برای رسیدن به تعادل زایا چه مبنای و شیوه**

**انتظامی لازم داریم؟**

مسئله مبنای و شیوه انتظامی ۱۱ برنامه تاکنون ارائه‌شده نمی‌تواند تعادل زایا که تمام دیگرش اقتصاد مقاومتی است، باشد. برنامه‌ای که در آن این مبانی رعایت نشده باشد، برنامه نیست. در درجه اول نظریه انتظام‌بخشی را برای کل اقتصاد ایران نیاز داریم که البته هیچ جلوه‌ای از این نظریه انتظام‌بخشی در دولت یازدهم مشاهده نمی‌شود. هر اقتصاد کار بخواد از دوره بحران بیرون بیاید، به یک شیوه انتظام جدید نیاز دارد که به زایایی برسد. این شیوه انتظام نظریه‌های مختلفی دارد که پنج مبنای به‌خوبی تعریف شده است. بر اساس این نظریه، نخست باید رابطه دولت با بازار و جامعه به‌خوبی تعریف شود. دوم، نظام پیوند با اقتصاد بین‌المللی به‌طور علمی تعریف شده باشد. سوم، رابطه پولی و مالی به‌طور کامل تعریف شده باشد. چهارم، رابطه مزد که عدالت اجتماعی هم در آن می‌گنجد، به‌خوبی تعریف شده باشد. البته در این بخش نظام یارانه‌ای، مسکن و تأمین اجتماعی هم در نظر گرفته می‌شود. برای کشورهای توسعه‌یافته با این جهات‌سومی مانند ایران، بخش‌های پیشرو اقتصاد هم به‌عنوان مبنای پنجم باید تعریف شود. در کنار آن مقوله محیط‌زیست هم مثل یک شرط بیرون از اقتصاد باید در نظر گرفته شود. زیرا به قدر کفایت دارای اهمیت است و مبنایی توسعه پایدار را کامل می‌کند. یک نظام مترمکعب باید این‌جامعیت را داشته باشد تا به زایایی برسد.

● **کا شما از جامعیت می‌گویید، اما برخی از کارشناسان می‌گویند، دوره برنامه‌های جامع گذشته است.**

اتفاقاً اکنون دوران برنامه جامع است. در جهان هرچه می‌گذرد برنامه‌ها جامع‌تر می‌شود. درواقع از زمانی که توسعه‌یافت‌ها مطرح شد، جامعیت برنامه‌ها در همه وجوه خود را نشان می‌دهد. هر زمان جامعیت از برنامه‌ها حذف شود، نازایی پدید می‌آید. وقتی شما عدالت را از موضوع توسعه اقتصادی حذف می‌کنید داعش به وجود می‌آید. وقتی طبیعت را حذف می‌کنید، دریاچه ارومیه خشک می‌شود.

● **کا رابطه دولت با بازار و جامعه را چگونه باید تعریف کرد؟**

رابطه دولت با جامعه و بازار، موضوع روشنی است. در حال حاضر بدون حکمرانی یا پول نمی‌توانید یک رابطه رقابتی در بازار را تعریف کنید. بازار رقابتی که جزء اصول اقتصاد مقاومتی باشد، بازاری است که روابط اقتصادی اجتماعی‌اش توسط یک حکمرانی خوب برپا شده باشد. به نظر به‌خصوص بعد از دهه ۷۰ یعنی به جز برنامه اول بعد از انقلاب که کم‌وبیش جهت‌گیری (ناقص) داشت، بقیه برنامه‌هایمان برنامه نبوده، ملغمه بوده. ملغمه‌ای از تاخت‌زدن منافع سیاسی و قدرت و ثروت جناح‌های مختلف سیاسی. این تمایل به نوشتن برنامه جامع نبوده که برنامه‌های ما را از پا انداخته است بلکه logrolling در اصطلاح سیاسی یعنی تاخت‌زدن و معامله منافع، برنامه‌ها را از کارکرد انداخته است. ریشه‌اش هم یک بازی است. در مسابقات روی یک چوب گرد می‌روند و مسابقه می‌دهند، چوب را می‌چرخانند که ببینند چه کسی می‌افتد. درواقع باید با تاخت‌زدن سعی کنند تعادل خود را نگه دارند. هر جناح اجازه می‌دهد در فلان حوزه، برنامه مطلوب فلان نماینده صورت بگیرد. دولت نهم و دهم اما برنامه تاخت‌زدن را برتقایید. البته آن برنامه هم در نماینده‌ها نبود و احمدی‌نژاد هر که هرچه گفت را به صورت پوپولیستی در ملغمه ریخت و برای باقی‌ماندن خودش به‌نوعی باج داد. در حقیقت، پوپولیسم به همه طبقات باج می‌دهد که ساکت بمانند نه اینکه منافعتشان را به صورت توافقی تأمین کند. مثل انحلال سازمان برنامه که باج‌دادن به نماینده‌ها استانی بود و ملغمه‌کردن شدیدتر برنامه. به هر صورت دولت احمدی‌نژاد تاخت‌زدنی را که در برنامه‌های قبلی روال شده بود، برداشت تا برنامه‌ریزی در مرکز صورت گیرد تا او بتواند همه مهره‌هایی را که در توزیع قدرت و ثروت هستند، خود تعیین کند. پس ملغمه‌بودن برنامه‌ها شدید شد. نفی برنامه جامع توسط بعضی‌که دنبال همان ملغمه‌ها هستند در بسیاری از جلسات تکرار می‌شود. در خیلی از جلسات می‌شنوم که برنامه «جامع» را نفی می‌کنند. برای من بسیار عجیب است. چون روشن است که در همه کشورهای جهان حتی کشورهای پیشرفته، نوبل اقتصاد به مقوله بازگشت مقررات و جامعیت داده می‌شود و در ایران یک‌باره همه

عدم جامعیت را در دستور کار قرار می‌دهند! اگر نظام تصمیم‌گیری و نهادی سامان پیدا نکند، برنامه تدوین نمی‌شود. درواقع باید رابطه دولت با جامعه و اقتصاد با ایجاد رقابت و ساماندهی شیوه حضور خواسته‌های اجتماعی در دولت شکل بگیرد. ما انواع این شیوه‌ها را داریم؛ آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان، سوئد. بهتر است شیوه شکل‌دهی این رابطه را انتخاب کنیم. آلمان جزء قدرت‌های برتر اقتصادی جهان است، چون اقتصاد خود را با شیوه «بازار اجتماعی‌شده» اداره می‌کند. تقریباً تمام اتحادیه اروپا می‌گویند ما کم‌وبیش بازار اجتماعی‌شده هستیم نه بازار ره‌اشده. چین تعریف رابطه دولت با خود را به صورت سوسیالیسم بازار تعریف کرده است. مالزی یا کره‌جنوبی هم یک نوع بازار هستند که بازار توسعه برای خودشان تعریف کرده‌اند. بازار اجتماعی‌شده می‌گوید اگر شکاف درآمدی در جامعه باشد، دیگر جامعه معنا ندارد، اما در آمریکا جمهوری‌خواهان می‌گویند جامعه، جامعه‌ای است که هرکسی به بالاترین جایی که می‌خواهد برسد تا بتواند نوآوری کند و به این دلیل حتی بهداشت عمومی را هم قبول نمی‌کنند. درواقع شکاف درآمدی جزء، ایدئولوژی جمهوری‌خواهان است. البته در مقابل دموکرات‌ها به بازار اجتماعی‌شده گرایش دارند. اقتصاد سوسیالیسم بازار چین می‌گوید تنها دولت نباید در اقتصاد دخالت کند و باید جامعه بر اقتصاد مقدم باشد. در بازار اجتماعی‌شده (روپا) گفته می‌شود دولت تنها نباید در اقتصاد دخالت کند و باید بازتوزیع ثروت کند تا شکاف اتفاق نیفتد و جامعه منحل نشود. در واقع جامعه را بر اقتصاد تقدم داده ولی تقدم جامعه بر اقتصاد را بر زور دولت نمی‌پذیرد. در جایی مانند چین می‌خواهند با زور دولت شکاف‌ها را از بین ببرند. در هر حال به موفقیت این شیوه‌ها کاری ندارم. این یک شیوه انتظامی است که انتخاب کرده‌اند. نه اینکه مانند

دولت موسوم به سازندگی،

سیاست‌های تعدیل را همین‌طور اعلام کرده یا زمانی که می‌خواستند یارانه نقدی بدهند همه هورا گفتند بدون اینکه نظام انتظام‌بخش حتی نظام مزد، سامان پیدا کرده باشد. ریشه این اتفاق‌ها در چیست؟ بخش‌های انحصاری مثل خودروسازی از اقتصاد نازا بهره‌مند می‌شدند و نظام بخش‌های مولد اقتصاد که بیشتر آنها در دوره جنگ تشکیل

شده بود، به وجود نیامد. همان‌طور که نظام لازم برای اقتصاد دانش و جهانی‌شدن با اینکه برنامه سوم توسعه این امر را در دستور کار قرار داد، تعبیه نشد. دولت پوپولیستی احمدی‌نژاد چه چیزی را در دستور کار قرار داد؟ درحالی‌که در برنامه سوم گفته شده بود نهادسازی بر برنامه باید تقدم داشته باشد، در تعادل نازا این اتفاق نیفتاد. در دولت نهم و دهم پروژه بر نهاد تقدم پیدا کرد، چون برنامه هم کنار گذاشته شد و پروژه‌های خودتعریف‌کرده باعث منحل‌شدن سازمان برنامه شد.

● **کا اگر شیوه انتظام نهادها دوباره در نظر گرفته نشود، چه خواهد شد؟**

وقتی شیوه انتظام نهادها در دستگاه تعریف شده باشد و این روابط به صورت همسته و جامع با هم پیوند نداشته باشند، تکرار مکررات را می‌شنویم به‌طوری‌که برنامه جامع زیر ضرب قرار گرفته است. حتی در مثال چین، این کشور یک برنامه جامع برای پیوند منابع آزدش با دواقتاده‌ترین مناطق کشور از لحاظ آمایشی یا فناوری که در برنامه‌ریزی‌های فضایی و بخشی ثبت است، دارد. می‌گویند رشد چین کم شده و به هفت درصد رسیده که آرزوی ماست. اگر این شیوه انتظام‌بخشی را نداشته باشد با رشد ۱۵ درصد مانند ماشینی خواهد بود که با سرعت بالا حرکت می‌کند. با سرعت بالا در پیست اتومبیل‌رانی، حتی یک ریگ هم باعث چپ‌شدن ماشین می‌شود. در روابط اقتصادی اجتماعی هم همین‌طور است. اگر چین نهادهای مناسب نداشته با سرعت بالای رشد اقتصادی جامعه و اقتصاد

## اقتصاد

اطهاری ریشه نازایی برنامه‌های ایران را تاخت‌زدن منافع می‌داند

# اقتصاد ایران دچار تعادل نازا است



عکس: روفقه بستانی، شرق

این کشور ۱۰ بار تا به حال منفجر می‌شود. شوخی نیست که یک دهه پیوسته حدود ۱۵ درصد رشد بالای ۱۰ درصد را داشته باشید. در عرض ۱۰ سال در دهه ۸۰، ۳۰۰ میلیون نفر در چین از زیر خط فقر به طبقه متوسط رسیدند که نشریه اکونومیست اعلام کرد این اتفاق بزرگ‌ترین تحرک اقتصادی جهان تا به حال بوده است. وقتی این جابه‌جایی طبقاتی رخ می‌دهد، جامعه باید چه نهادهایی داشته باشد که متلاشی نشود؟ پس ما این مبانی و شیوه انتظام‌بخشی را نداریم. شیوه انتظام‌بخشی باید عوامل تحرک‌بخش اقتصاد را هم در دستور کار قرار دهد. کره‌جنوبی و برزیل به شیوه‌های متفاوت این روش را به کار گرفته‌اند اما چپن خیلی نامدین است و از بابت بسته‌بودن اقتصادش به ما شبیه‌تر بوده است. وقتی چین خواست از اقتصاد بسته خود وارد رابطه جهانی شود، گفت من رابطه جهانی‌ام را نمی‌توانم یکباره آزاد کنم و این رابطه آزاد که جریان سیال سرمایه بود، به جریان سرمایه حرکت کرد نه جریان اشخاص. چون انسان تابعیت دارد و سرمایه اجتماعی و قابل انتقال است. چین گفت من مناطق آزاد را تعریف می‌کنم که روابط آزاد را آنجا انجام دهم. به‌درستی هم چیدمان همه رژیم‌ها را آنجا سامان و رابطه آنها را با سرزمین اصلی شکل داد. نمی‌توانید منطقه آزاد تأسیس کنید و مثل ایران در آنلی، پورشه وارد کنید. باید رابطه با رژیم جهانی مشخص شود وگرنه سرمایه‌ها هدر می‌روند و این خود تورم‌زاست. از مناطق آزاد چین کالاهای مصرفی چینی به کشورهای دیگر تقسیم می‌شود. این یک شیوه انتظام‌بخش است که برای بخش‌های پیشرو تعریف شده است. چین به جز مناطق آزاد، در بخش کشاورزی هم که فعالیت بخش خصوصی را به آن نبوده، ساماندهی بسیار زبده‌ای از لحاظ شکل‌گیری نهادهای بازار رقابتی به صورت جمعی شکل داد. در این مجموعه از بزرگ‌ترین اقتصاددانان جهان برای اصلاحات دعوت کرد. چینی‌ها از ما خیلی مغرورتر هستند و جنگ‌های طولانی مدت‌ها تحریم‌های شدید داشتند، اما برای اصلاح کشور خود حاضر به پذیرش مشاوره شدند. اگر شیوه انتظام‌بخشی وجود نداشته باشد به نام آزادسازی، بله‌ای زیادی سر جامعه می‌آید. می‌خواهم بگویم قابلیت جامعه ایران از آنها کمتر نیست اما این شیوه انتظام‌بخشی

● **دولت نهم و دهم اما برنامه تاخت‌زدن را برتقایید. البته آن برنامه هم از ملغمه بیرون نیامد واحمدی‌نژاد هر که هرچه گفت را به صورت پوپولیستی در ملغمه ریخت و برای باقی‌ماندن خودش به‌نوعی باج داد**

● **در دولت نهم و دهم پروژه بر نهاد تقدم پیدا کرد، چون برنامه هم کنار گذاشته شد و پروژه‌های خودتعریف‌کرده باعث منحل‌شدن سازمان برنامه شد**

به‌درستی تعریف نشده و غرور بیش‌ازحد دخیل بوده است. الک نوو، بنیان‌گذار سوسیالیسم بازار نوین که کتابی به نام «سوسیالیسم باج‌دار» داشت، به‌عنوان مشاور به چین رفت و شیوه انتظام چین را تعریف کرد. تجربه‌های غنی در جهان وجود دارد، از چین و هند تا پیشرفته‌ترین‌های اروپا. اما الگوهای نیم‌بند از دویی گرفته می‌شود. در ایران نهادهای تکه‌تکه هستند چون تاخت‌زنی به شیوه نهادسازی ما هم سوخ کرده است. جای مسئولان می‌گویند شیوه انتظام‌بخش به کار بزرگی نیاز ندارد. گاهی می‌بینید همه شرایط مهیاست و فقط یک «پین» (اجزای کوچک نگهدارنده چرخ) نیاز است که چرخ راه بیفتد، اما بعضی از گذاشتن «پین» راه‌اندازی چرخ ممانعت به عمل می‌آورند. در شیوه‌های نهادسازی ایران این انتظار وجود ندارد که خود ناشی از نبود نظریه‌پردازی و مدنظر قراردادن تعادل نازا در بین جناح‌های سیاسی و حتی دولت کنونی است. این را می‌توان در سخنان بعضی از سرمداران جناح سیاسی هم دید که می‌گویند باید به دهه ۷۰ برگردیم و از نو همان‌ها را تکرار کنیم! اگر انجمن مدنی نداشته باشیم، برنامه‌ها و نهادهای جامعه در یک گفتمان واقعی رخ نمی‌دهد. گفتمان واقعی در حوزه عمومی رخ می‌دهد نه در دولت. دولت نمی‌تواند گفتمان راه بیندازد. گفتمان باید به وسیله انجمن‌های مدنی و احزاب راه بیفتد. مردم در ایران به دولت بی‌اعتماد هستند. اگر انجمن‌های مدنی و احزاب راه بیفتند، تاخت‌زدن به حداقل هم می‌رسد. چون حوزه عمومی به

وسلیله مردم، انجمن‌های مدنی، اتحادیه کارگری و کارفرمایی، اتحادیه جامعه‌شناسان و هنرمندان و آن‌جی‌وها... هر برنامه‌ای را پخته‌تر می‌کند. احزاب تاخت‌زدن را به حداقل می‌رسانند، زیرا کسی که منفرد است و می‌خواهد بیش از یک دوره بماند و حزبی پشتیبانش نیست، شروع به تاخت‌زدن می‌کند. چاره این نیست که انتخابات استانی یا غیراستانی شود یا اینکه رئیس‌جمهور به‌وسیله مجلس یا نخست‌وزیر بیاید، چاره‌اش شکل‌گیری احزاب و قدرت انجمن‌های مدنی است که رابطه دولت و جامعه مدنی را تنظیم می‌کنند. در حقیقت شیوه انتظام‌بخشی یک شیوه پخته و متکی به دانش و تجربه جهانی است که تعادل زایبا را به اقتصاد ایران می‌دهد وگرنه این دولت هم تکرارکننده تعادل نازا خواهد بود.

● **کا به این اشاره کردید که به جز برنامه اول بعد از انقلاب بقیه برنامه‌ها ملغمه بودند. به نظراتان برنامه بعد از انقلاب، برنامه خوبی نبود؟**

برنامه سوم خوب نبود. اگر بخواهم بگویم بهترین برنامه که می‌توان برنامه ششم را طبق آن نوشت کدام است. بی‌شک به برنامه چهارم اشاره می‌کنم. تنظیم و یکپارچگی برنامه چهارم از همه برنامه‌های جمهوری اسلامی بهتر بود، چون دامنه اصلاحات را مدنظر قرار داده بود، اما از جریان‌هایی بود که تا خواست شکوفا شود بریده شد. برنامه‌ای که اهداف سنجیده‌ای مانند تعامل مثبت با جهان و اقتصاد دانش‌بنیان را برای خود تعریف کرده بود. تا خواست شکوفا شود دولت بعد آن را از بین برد. این برنامه شیوه نهادسازی را کم‌وبیش مقدم گذاشته بود که ملهم از برنامه سوم بود. در زمان برنامه سوم آشوب سیاسی هم زیاد شد. در واقع برنامه سوم شروع خوبی داشت اما آنچه بیرون آمد، ملغمه شد.

● **در کدام برنامه بود که بنا بود مدیریت سیاسی از اقتصادی جدا شود؟**

کسان می‌کنم برنامه چهارم بود. واژگان تصدی‌گری و تولی‌گری در برنامه سوم مطرح بود اما گمان می‌کنم که شیوه انتظامش در برنامه چهارم ارائه شد. به دلیل زدوخوردهای سیاسی در دولت وقت و روی کار آمدن جنبش اصلاحات به نظر پختگی لازم در برنامه سوم حاصل نشد، اما شروع خوبی که در برنامه سوم بود، در برنامه چهارم به بلوغ نسیی رسید، اما متأسفانه کنار گذاشته شد.

● **کا پس توصیه شما به دولت حاضر برای تدوین برنامه این است که شیوه انتظام‌بخشی را براساس مبانی و نهادسازی‌های لازم در دستور کار قرار دهد، اما به نظراتان کمی دیر نشده؟ چون با این روند دریش‌کش شده، تا نیمه دوم سال ۹۵ برنامه‌ای نداریم.**

خیر. من ناامید نیستم. البته بهتر بود تا الان این کار صورت می‌گرفت؛ اما وقتی تحرب نباشد و دولت با مسائلی مثل فشارهای سیاسی برای حل مسئله برجام مواجه باشد که کل توان کارشناسی دولت را به خود مشغول داشته، نمی‌توان چنین انتظاری داشت. با این حال این کم‌توجهی قابل فهم است، هرچند برای من قابل قبول نیست. پیش از این نیز گفتم وزرا به خارج از کشور می‌روند و می‌گویند همه آماده حضور در ایران هستند، اما آن را منوط به رفع تحریم‌ها می‌کنند. خب معلوم است اگر برجام عملی شود ایران برای این همه کشورها مناسب است. اما به‌عنوان یک وزیر اقتصادی، چند اقتصاددان ورزیده یا نوبلیست اقتصادی را به ایران دعوت کرده‌اید؟ آنها که دیگر تحریم نیستند! ایران می‌تواند هزینه‌اش را هم بپردازد. اکنون ایران برای آکادمیسین‌های غربی در علوم اجتماعی و اقتصادی پدیده جالبی است و مایل هستند بحث‌های سازمان‌دافته‌ای در این زمینه داشته باشند. سرمایه‌گذارانی که به ایران می‌آیند حاضر نیستند سرمایه خود را قبل از اجرائی‌شدن برجام به ما بدهند، اما نوبلیست‌ها حاضرند از ثروت دانش خود به ما بدهند. در دولت قبل هم همین‌طور بوده. به جای شعار دادن آنجنانی، ما می‌توانیم، باید دانشمندان را دعوت می‌کردند به جای اینکه بستگان چه‌کارا را دعوت کنند. هزار بار چاوز آمد بی‌آنکه فایده‌ای داشته باشد. این اندیشه پخته نیست. هشت سال را از بابت منابع هدر دادید، اما می‌توانستید با وجود تحریم از مرزهای جهانی استفاده کنید. خیلی از کسانی هم که در علوم اجتماعی فعالیت می‌کنند یا دو تمایل داشتند به ایران بیایند. کافی بود فضا تلطیف شود. حتماً اقتصاددانان و جامعه‌شناسان به ایران می‌آمدند. این مجموعه‌ای است که نیاز داریم.

صرفاً به سرمایه خارجی نیاز نداریم. نیاز داریم تجربه توسعه جهانی را به کشور بیاوریم. خیلی از اقتصاددانان ما مغرور هستند و فکر می‌کنند یا دو واژه، می‌توانند مسائل ما را حل کنند. این کشورها هم دانش و هم تکنولوژی توسعه را دارند و می‌توانند مشکل ما را حل کنند چون هم دانش، سخت‌افزار و هم نظریه دارند. این ارتباط قطع‌شد باید دوباره برقرار شود «از کوزه همان برون تراود که در اوست». بنده باید از خودخواهی خودم کم کنم چون دانش توسعه ندارم. باید درباره این شیوه انتظام گفتمان راه بیندازید که سرریز داشته باشد. دانش ما نمی‌تواند این سرریز را برای توسعه پایدار کشور به همراه داشته باشد. همه تکه‌تکه صحبت می‌کنند و در روزنامه‌ها چاپ می‌شود اما این کارها شوخی‌بردار نیست و نمی‌توان تعاریفی را از جایی که تجربه نکرده‌اید، تکرار کنید.

ادامه از صفحه ۵

### چندروش برای بازگشت مخابرات به‌دولت

هرچند آمار فروش املاک و اموال منقول مخابرات در چند سال گذشته و حجم دقیق دارایی‌های این شرکت مشخص نیست، اما برآورد‌ها از ارزش ۱۴۰ تا ۱۶۰ هزار میلیارد تومانی مخابرات حکایت دارد که به قیمت خالص هزارو ۳۰۰ تا هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان و در حقیقت به یک‌صدم ارزش واقعی به شرکت توسعه اعتماد مبین فروخته شده است و جالب‌تر از همه سکوت نمایندگان مجلس است که بیشتر از اینکه به فکر منافع موکلان خود و بیت‌المال باشند، با درخواست سهام‌دار عمده و خریدار سهام‌کنترلی مخابرات، در کنار خریدار سهام مخابرات قرار گرفته‌اند. چند روز پیش مهدی صفری، مدیرعامل شرکت توسعه اعتماد مبین که مالک ۵۰ درصد به‌علاوه یک سهم مخابرات است، فروش املاک و اموال منقول و غیرمنقول مخابرات را هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان اعلام کرده که با توجه به اینکه مخابرات مجوز فروش یک درصد املاک را از سازمان خصوصی‌سازی اخذ کرده و با فروش یک درصد املاک هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان به جیب زده، ارزش کل دارایی، اموال، تجهیزات، املاک، برند، حق انحصار و سایر دارایی‌های مخابرات حداقل ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار میلیارد تومان است که به یک‌صدم قیمت واقعی به توسعه اعتماد مبین واکذار شده است. خریدار مخابرات تاکنون چندانی در توسعه این شرکت برنداشته و با تحمیل هزینه‌های مالی، منافع دولت و سهام‌داران خرد را به خطر انداخته و بازگشت مخابرات با یکی از روش‌های ذیل در جهت تأمین منافع دولت، بیت‌المال و سهام‌داران، بهترین راه‌حل ممکن است. خریدار سهام‌کنترلی مخابرات، سهام‌کنترلی ۵۰ درصدی به‌علاوه یک سهم را ظاهراً به قیمت هفت‌هزارو ۸۰۰میلیاردتومان و با توجه به اینکه تمام اقساط پرداختی از محل سود مخابرات بوده، در واقع به قیمت حدود هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان خریداری کرده، درحالی‌که ارزش واقعی مخابرات حداقل ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است و در واقع فقط یک درصد سهام مخابرات به شرکت توسعه اعتماد مبین تعلق می‌گیرد. در روش دوم اگر ارزش املاک و اموال را در زمان واگذاری سهام‌کنترلی و با دلار حدود‌هزارتومانی مینا بگیریم، حدود پنج درصد کل سهام مخابرات به شرکت توسعه اعتماد مبین تعلق می‌گیرد و سهمی بیش‌تر از این ندارد. در روش سوم و با تفکیک سود مخابرات به سود حاصل از فروش اموال و سود عملیاتی ناشی از عملکرد، به این نتیجه خواهیم رسید که سود عملیاتی مخابرات غیر از سود فروش املاک و اموال قبل و پس از واگذاری و به توسعه اعتماد مبین، رشد حدود ۱۰ درصدی داشته و با توجه به پرداخت حدود هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان توسط خریدار سهام‌کنترلی بابت خرید سهام، وجوه پرداختی خریدار با بالاترین سود بانکی به‌علاوه ۱۰ درصد محاسبه شده و ارزش واقعی پول پرداختی خریدار تا زمان حاضر محاسبه و سهم خریدار در کل شرکت مشخص می‌شود. بر این اساس با سود سالانه ۴۰ درصدی به آورده نقدی هزارو ۵۰۰ میلیارد تومانی خریدار سهام‌کنترلی بابت خرید سهام، وجوه پرداختی خریدار با پنج تا ۱۰ درصدی به جای ۵۰ درصد فعلی بسنده می‌کند و درصورت عدم موافقت شرکت توسعه اعتماد مبین با سایر خریداران، هر خریدار دیگری با پرداخت این رقم می‌تواند جایگزین خریدار فعلی در ردف سهام‌داران مخابرات قرار گیرد. در روش چهارم می‌توان اقساط پرداختی مخابرات تاکنون را مدنظر قرارداد. خریدار سهام‌کنترلی تاکنون در شش سال گذشته ۱۲ قسط ۲۸۴ میلیارد تومانی (مجموع ۱۲ قسط پنج‌هزارو ۸۰۸ میلیارد تومان) به‌علاوه هزارو ۵۶۰ میلیارد تومان حصه ۲۰ درصد نقدی اولیه و جمعا هفت‌هزارو ۳۶۸میلیارد تومان بابت خرید سهام پرداخته که با توجه به ارزش واقعی زمان واگذاری سهام‌کنترلی مخابرات که حداقل ۵۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ بوده است، حدود ۱۵ درصد سهام مخابرات به خریدار کنترلی فعلی می‌رسد و شرکت توسعه اعتماد مبین بدون پرداخت چهار قسط باقی‌مانده به ارزش هزارو ۹۳۶ میلیارد تومان، مقدار سهامش از ۵۰ به ۱۵ درصد کاهش می‌یابد.

#### \*پژوهشگر مالی و اقتصادی

## گنر

### پیش‌بینی روسیه درباره قیمت نفت

● **میزان:** رئیس بانک مرکزی روسیه از احتمال طولانی‌شدن دوران افت قیمت نفت خبر داد و این مسئله ممکن است ضربه‌ای دیگر برای اقتصاد این کشور باشد. به گزارش یوپی‌ا از مسکو، قیمت نفت خام در ماه‌های گذشته بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال ۲۰۱۴ کاهش داشته است که آهسته‌شدن رشد اقتصاد جهانی و افزایش تولید نفت، بیش‌ترین نقش را در این افت قیمت داشته‌اند. الیورا نیابولین، رئیس بانک مرکزی روسیه، گفت: ساختار بازار نفت در حال تغییر است که نشان می‌دهد شاید قیمت نفت برای دوره‌ای طولانی، پایین باقی بماند.